

بررسی مسائل کشورها

نقش آتی مناطق پردازش صادرات در جمهوری کُره

«بدین ترتیب حیات منطقه آزاد پردازش صادرات چرخه‌هائی متوالی را دنبال خواهد نمود که در خلال آنها انواع تخصص گزایندهای پی در پی بدست می‌آید و هر چرخه شامل مراحل زیر خواهد بود:

— در مرحله اول، زیربنای اولیه و تسهیلات مناسب در اختیار منطقه پردازش صادرات قرار داده می‌شود. مشخصه این مرحله جریان قابل ملاحظه (ورود) سرمایه گذارهای خارجی است.

نقل قولهای زیر، که از تحقیق جدید سازمان همکاری و توسعه اقتصادی درباره مناطق آزاد پردازش صادرات گرفته شده‌اند، مفهوم چرخه حیات مناطق پردازش صادرات را بصورتی موجز بیان می‌نماید و مراحل مختلفی را که مناطق پردازش صادرات عموماً طی خواهند نمود، معین می‌سازد. این چهارچوب برای بررسی وضعیت احتمالی آتی مناطق پردازش صادرات ماسان و ایری مناسب است.

— در مرحله دوم توسعه، جریان سرمایه گذاربهای خارجی همچنان بطور مطلق افزایش می‌یابد، ولی میزان آن بطور نسبی کاهش پیدا می‌کند. صادرات بشدت افزایش می‌یابد، در حالی که درصد بکارگیری تسهیلات تولیدی منطقه آزاد پردازش صادرات به بالا ترین حد خود می‌رسد.

— مرحله سوم، مرحله بلوغ است. در حالیکه جریان سرمایه گذاری خارجی تثبیت می‌گردد، صادرات با نرخ رشدی آهسته تراز قبل افزایش می‌یابد و کسب و کارهای حاشیه‌ای کوچک با موسسات بزرگتر که کارکنانی با آموزش فنی بهتر را در استخدام دارند، جایگزین می‌شوند.

— ویژگی اصلی چهارمین و آخرین مرحله، کاهش ذخایر سرمایه‌ای موسسات خارجی است که بصورت یک قاعده، داراییهای آنان توسط سرمایه گذاران داخلی خریداری می‌گردد.

پایان این مرحله نهائی یا نشانه آغاز چرخه‌ای جدید خواهد بود که طی آن مناطق آزاد پردازش صادرات به سوی مصنوعات پیچیده تر معطوف می‌گردند، یا آغاز فرآیند حذف منطقه خواهد بود؛ چرا که منطقه با به وجود آمدن ساختاری صنعتی که بطور مستقل میتواند توسعه یابد، بصورتی زائد درآمده است. این احتمال دوم به پرسشی کلی تر در مورد ارتباطاتی که میتواند بین چرخه حیات منطقه آزاد پردازش صادرات و چرخه توسعه کشور میزبان این مناطق وجود داشته باشد، منتهی

می‌گردد. از این رو، تغییر در شرایط کشور میزبان، نگرش مقامات آن کشور در مورد نقش مناطق آزاد پردازش صادرات را، فراغ از سن این مناطق، تحت تأثیر قرار می‌دهد. بعنوان نمونه، از آنجا که اشتغال دیگر هدف اصلی نخواهد بود، منطقه میتواند در جذب سرمایه گذاربهای خارجی دارای ارزش افزوده بالا، نقش مهمی ایفا نماید. دیگر، بلوغ منطقه آزاد پردازش صادرات به مفهوم کاهش سرمایه گذاری در منطقه نخواهد بود، بلکه صرفاً حاکی از تغییر در ساختار صنعتی همراه با شرکای جدید است که با سرعت و اهداف توسعه در اقتصاد میزبان هماهنگ می‌باشد.

در مورد منطقه «ماسان»، به خوبی دیده می‌شود که مرحله سوم بلوغ بدست آمده است؛ در سال ۱۹۸۵ ارزش جمععی سرمایه گذاری به قیمت‌های ثابت عملاً با میزان سرمایه گذاری در سال ۱۹۸۱ برابر بود. در ارتباط با منطقه «ایری»، ارزش جمععی سرمایه گذاری هنوز در حال افزایش است، گرچه سرعت این افزایش زیاد نیست. در سال ۱۹۸۵ میزان سرمایه گذاری به قیمت‌های ثابت ۱۳ درصد بیش از سال ۱۹۸۱ بود. درصد اشغال تأسیسات صنعتی هر دو منطقه عملاً صد درصد است، لکن نرخ اشغال تنها به مفهوم فیزیکی آن اندازه گیری می‌شود و معیارهای اقتصادی را در نظر نمی‌گیرد. بیان این مطلب که منطقه ایری در حال ورود به مرحله سوم است، احتمالاً صحیح خواهد بود، لکن در مورد نقش آتی مناطق پردازش صادرات در جمهوری کره ۵۳

مناطق پردازش صادرات کره جنوبی به مرحله بلوغ رسیده‌اند و در آینده وارد آخرین مرحله چرخه حیات خود خواهند شد که طی آن دارائیهای منطقه توسط سرمایه‌گذاران داخلی خریداری خواهد شد، مگر آنکه صنایع منطقه به سمت تکنولوژیهای پیچیده‌تر حرکت کنند.

خواهد گردید. اینکه این موضوع در زمینه توسعه جمهوری کره به چه مفهومی است، در زیر بصورت موجز آورده خواهد شد. آنچه بدیهی است آنست که مناطق ماسان و ایری عملاً، تا آنجا که به وضعیت مناطق پردازش صادرات مربوط می‌شود، به پایان راه رسیده‌اند. همانطور که نقل قول زیر نشان می‌دهد، این امر از سال‌ها پیش یعنی از سال ۱۹۸۳ در جمهوری کره به واقعیت پیوسته است:

«آینده مناطق پردازش صادرات کره نامعلوم است. توسعه مناطق پردازش صادرات موجود یا ایجاد مناطق جدید قابل پیش‌بینی نیست، لکن استفاده از مناطق پردازش صادرات موجود برای مقاصد دیگر مقوله عاجلی است که سیاست‌گذاران باید به آن پردازند. برخی از موسسات خارجی دست‌اندرکار، اساساً مایلند از مشوقهای مالیاتی که به آنان داده می‌شود و نیروی کار ارزان بهره‌برداری نمایند، لکن برخی از سرمایه‌گذاران خارجی در مناطق پردازش صادرات تمایل خود را به فروش دارائیها و خارج نمودن سرمایه‌هایشان ابراز داشته‌اند. شایان توجه است که دوره‌های معافیت و

اینکه منطقه ماسان به مرحله چهارم، که در آن ذخایر سرمایه خارجی کاهش می‌یابد و دارائیها توسط سرمایه‌های داخلی خریداری می‌شوند، وارد شده است، هیچ نشانه محکمی وجود ندارد. تا ژوئن ۱۹۸۶، در منطقه ماسان تنها ۱۰/۵ درصد ارزش تجمعی سرمایه‌گذاری در مالکیت اتباع کره قرار داشت. در مورد سهم جمهوری کره در مالکیت سرمایه‌گذاریهای مشترک آمار و اطلاعاتی موجود نیست، لکن در ارتباط با تعداد بنگاهها بنظر می‌رسد نشانه‌هایی از افزایش سرمایه‌گذاری توسط بنگاههای کره‌ای در منطقه ماسان وجود داشته باشد و در منطقه ایری تعداد این بنگاهها بسیار زیاد است. در منطقه ماسان تعداد این بنگاهها در فاصله ژوئن ۱۹۸۳ تا ژوئن ۱۹۸۶ از ۷ به ۱۲ بنگاه رسید و در سال ۱۹۸۶ در منطقه ایری ۱۰ نمونه از این بنگاهها وجود داشت.

بهرحال، مرحله چهارم لزوماً همان طریقی نخواهد بود که مناطق ماسان و ایری خواهند پیمود. مسیر محتمل ترراهی است که به «تغییری در ساختار صنعتی با همراهی شرکای جدید، و هماهنگی با سرعت و اهداف توسعه در کشور میزبان» منتهی

تخفیف مالیاتها روبه پایان است. بعنوان مثال، از موسسات مناطق پردازش صادرات ماسان، ۶۸ موسسه دوره معافیت و تخفیف مالیاتی را به پایان برده اند و تنها ۵ موسسه هنوز در دوره تخفیف مالیات قرار دارند. برای اکثر آنها، مشوقهای مالیاتی اعطایی به سرمایه گذاران خارجی در حال از دست دادن جذابیت خویش است. منطقه پردازش صادرات ایری را میتوان در مراحل آخر بلوغ خود تصور کرد. تاسیسات تولیدی منطقه پردازش صادرات ماسان تا سال ۱۹۷۴ کاملاً اِشغال شده بودند و دوره معافیت از مالیات این منطقه برای اغلب موسسات ساکن در حال اتمام است. در آینده، سرمایه گذارهای جدید تنها در صورتی پذیرفته می شوند که بعضی از موسسات فعلی تصمیم به خروج از منطقه پردازش صادرات ماسان را بگیرند. دولت کره، موسسات موجود را به افزایش سرمایه گذاری، معرفی تکنولوژیهای برتر جهت تولید کالاهای «تکنولوژی بر»^۱ و توسعه پیمانکاری فرعی به بنگاههای واقع در خارج از منطقه پردازش صادرات ماسان ترغیب می کند.

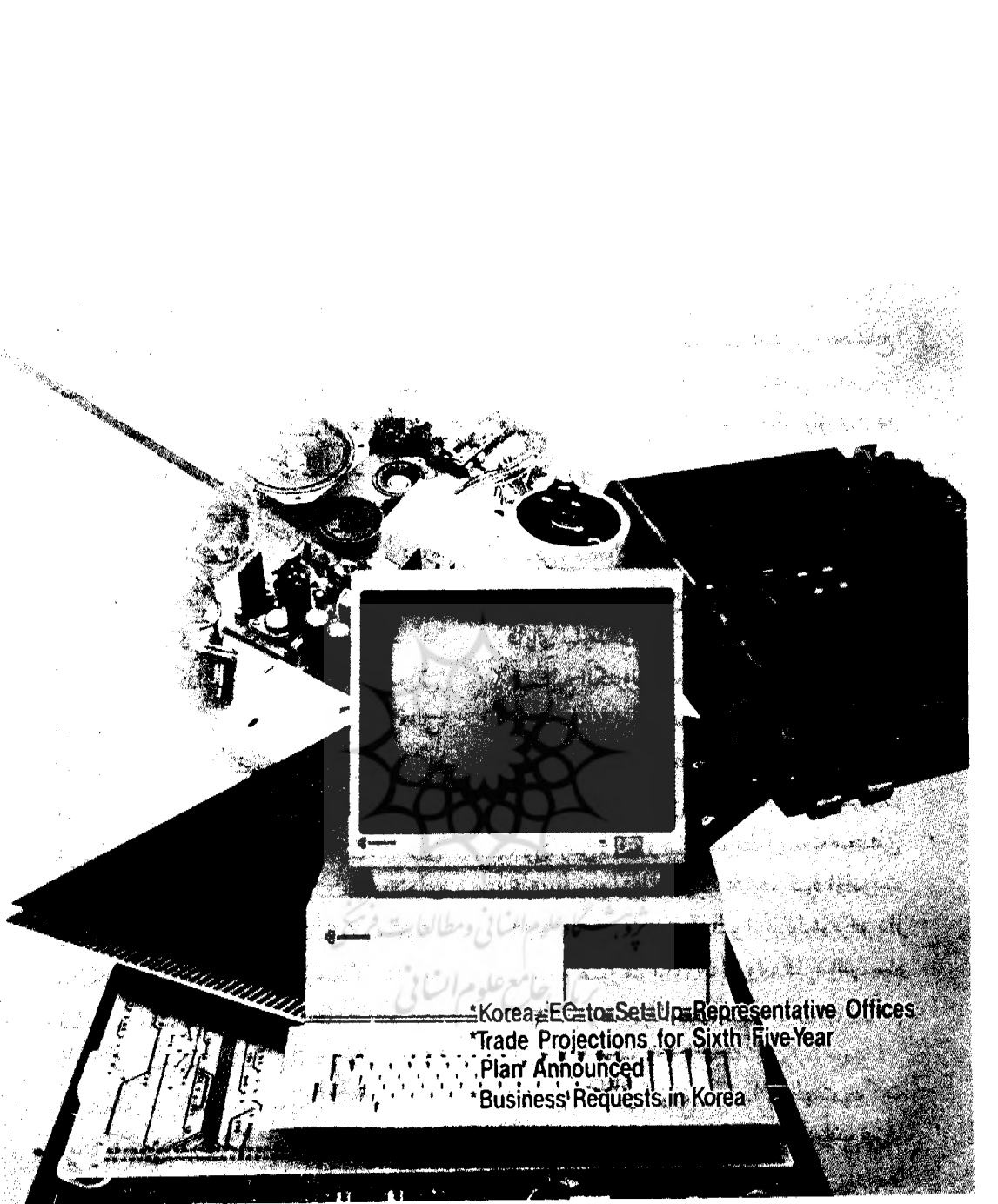
اگر این برداشتها در سال ۱۹۸۳ زمینه ای می یافتند، جریان حوادث از آن زمان تا کنون بدون شک به تقویت این نظریه منتهی می گردید که نقشهای جدیدی باید برای مناطق پردازش صادرات یافت شود. از

سالها پیش، یعنی از سال ۱۹۷۸ نیاز به تجدید ساختار تولید به سمت تولیداتی مبتنی بر مهارت و تکنولوژی در کره تشخیص داده شد، همانگونه که عبارت زیر از سوی موسسه توسعه کره این نیاز را نشان می دهد:

«با عنایت به محدودیت دسترسی به منابع مالی و طبیعی، کره برای دستیابی به مزیت نسبی در صنایع مهارت برو تکنولوژی بر در موقعیتی بهتر از کسب مزیت نسبی در صنایعی که بسیار سرمایه بر هستند، قرار دارد. بطور اخص، معقولانه است که انتظار داشته باشیم که در آینده در صنایع دارای ارزش افزوده بالا و دارای نیازمندی اندک به منابع طبیعی، مانند صنایع الکترونیک و ماشین آلات، از مزیت نسبی بیشتری برخوردار خواهیم بود. در این زمینه ها، کره در مقایسه با کشورهای عمده صنعتی اروپا و ژاپن، با محدودیت کمتری در مورد زمین، آب و سایر شرایط زیست محیطی صنعتی روبروست. به علاوه، کره از مزیت انتخاب جدیدترین فرآیند و ابزار تولید برخوردار است و هنوز هم برای آن نیروی کار ماهر بسیار ارزانتر از سایر کشورهای پیشرفته فراهم است.»

این کشور به واقع در همان جهت حرکت نموده است. مناطق پردازش صادرات نیز تا حدودی — گرچه بطور ناقص — این روند را دنبال نموده اند، گرچه بنظر می رسد که

(1): Technology Intensive



Korea-EC to Set Up Representative Offices
Trade Projections for Sixth Five-Year
Plan Announced
Business Requests in Korea

تاکنون تلاش‌های کافی بنحوی فعالانه در جهت انگیزش حرکت منابع از صنایع کاربر و دارای تکنولوژی پائین در مناطق ماسان و ایری به سمت صنایع دارای تکنولوژی و مهارت‌های بالا صورت نگرفته است. اگر این انتقال صورت نپذیرد، این مناطق حتی با سرعت بیشتری نزول خواهند کرد و اهمیت خود را در تولید و صادرات جمهوری کره از دست خواهند داد. از این رو، مناطق مذکور از الگوی جدید توسعه صنعتی کشور عقب خواهند ماند.

افزایش دستمزدها از جمله عواملی است که می‌توان انتظار داشت به تسریع تغییرات ساختاری مذکور در فوق کمک نماید. گرایش دستمزدهای واقعی به افزایش، ناشی از برخی تحولات مرتبط با یکدیگر، از قبیل پدید آمدن کمیابی نیروی کار در برخی از بخش‌های نیازمند مهارت، تقویت اتحادیه‌های کارگری و اعمال قانون حداقل دستمزد، بوده است. قانون اخیر، حقوق‌های کمتر از یکصد هزارون در ماه (حدود ۱۱۵ دلار در نرخ برابری ارز سال ۱۹۸۶) را از بین خواهد برد. از آنجا که اغلب صنایع عمده مناطق پردازش صادرات (منسوجات، پوشاک و کالاهای برقی و الکترونیکی) عمدتاً حقوق‌هایی کمتر از رقم فوق دارند، صنایع این مناطق با افزایش هزینه نیروی کار مواجه خواهند شد. در این صورت احتمال می‌رود برخی از کاربرترین صنایع خود را به محل‌هایی ارزانتر منتقل کنند یا در

غیر این صورت تکنولوژی‌های جدیدی که نیروی کار کمتری را مورد استفاده قرار می‌دهند، بکار گیرند.

مقوله اصلی در این زمینه، تبیین نقشی است که در شرایط شتاب‌گیری تغییرات ساختاری به سمت صنایع پیچیده‌تر، مهارت برتروبا اتکای روزافزون به تحقیق و توسعه، باید به مناطق پردازش صادرات محول گردد. بدیهی است انتخابی که وجود دارد از بین بردن تدریجی آنها یا تبدیل آنها مطابق با شرایط اقتصادی جدید است. برحسب اینکه کدام طریق انتخاب شود، این مناطق یا به صورت «خرابه‌های گذشته» و یا به شکل «مکانیزم‌های آینده» درخواهند آمد.

بدیهی‌ترین روش، حذف تدریجی فعالیت‌هایی است که از نیروی کار غیرماهر استفاده می‌کنند، و ایجاد ساختاری که ورود صنایع با تکنولوژی بالا و مهارت‌بر را - که توسط جمهوری کره یا سرمایه‌های خارجی تامین مالی گردیده‌اند - تشویق کند. این امر می‌تواند یا از طریق فرآیند تدریجی تغییرات که توسط بکارگیری ضوابط تأیید با جهت‌گیری مشخص ترالقا شده‌اند و یا از طریق تلاش‌های سیاسی و سرمایه‌گذارانه‌های دوراندیشانه در ایجاد زیرساخت‌های تکنولوژیکی مورد نیاز برای سرعت بخشیدن به فرآیند انتقال مورد نظر، حاصل گردد. روش دوم اساساً به مفهوم همکاری نزدیک دانشگاه‌ها و هنرستان‌های محلی در امر نوآوری در تولید و فرآیند تولید در مناطق، در قالب محیط نقش‌آنی مناطق پردازش صادرات در جمهوری کره ۵۷

گسترده تر پارکهای علمی^۱ است. بطور کلی، تاسیس مناطق صنعتی یا پارکهای علمی دارای تکنولوژی بالا، تعهد بلندمدتی است که ثمرات آن تنها پس از یک دوره پرورش ۱۰ تا ۱۵ ساله و با هزینه های گسترده عمومی و خصوصی حاصل می گردد. موفقیت منطقه به پیش-نیازهای مهمی، از جمله و در درجه اول

واقع گرایانه. پارک هسینچو که تنها از سال ۱۹۸۰ تاسیس گردیده، ۷۳ شرکت تحقیقاتی (که حدود ۴۰ درصد آنها مالکیت محلی داشتند) را به خود جلب نموده که عمدتاً مربوط به صنعت الکترونیک هستند. در سال ۱۹۸۷ این شرکتها تولیداتی را به ارزش ۷۰۰ میلیون دلار (که نزدیک به رقم ۸۱۰ میلیون دلار ارزش تولیدات منطقه پردازش صادرات

اکثر مؤسسات واقع در مناطق پردازش صادرات کره دوره استفاده از مشوقهای مالیاتی را به پایان برده اند.

«ساختار تحقیق و تعلیم خوب – لااقل در یکی از بخشهای تکنولوژی – یک محل استقرار جذاب از نظر محیط و... و فراهم بودن هسته ای از افراد که هم توانائی لازم را دارند و هم معتقدند که میتوانند پروژه را به جلو ببرند»، بستگی دارد. تعداد پارکهای علمی تاسیس شده در کشورهای در حال توسعه هنوز بسیار اندک است. شاخص ترین نمونه پارک صنعتی – علمی هسینچو^۲ در ایالت تایوان چین است که شاهدهیست بر امکان پیشرفت سریع در یک چهارچوب برنامه ریزی

ماسان بود) به وجود آوردند. اهداف اصلی ایجاد پارک هسینچو عبارت بودند از: تسریع در تجدید ساختار صنعتی به سمت تولیداتی با دانش بتری^۳ بیشتر، با عنایت به نقش رو به افول مناطق سنتی پردازش صادرات، ایجاد اشتغال مناسب برای نیروی کار بسیار ماهر داخلی و تشویق کارآفرینی^۴ داخلی. پارک هسینچو جمعاً مساحتی معادل ۲۰۰۰ هکتار را اشغال می کند که حدوداً ده درصد آن بعنوان منطقه معاف از حقوق و عوارض گمرکی تعیین شده است. از این رو، این محدوده ۲۰۰ هکتاری را میتوان

(1): Science Parks

توسعه مناطق ویژه متکی بر توسعه صنعتی با تکنولوژی بالا در بسیاری از کشورها که اغلب کشورهای صنعتی هستند، روند نسبتاً جدیدی است. واژه شناسی این موضوع هنوز به خوبی جا نیفتاده است، لکن طبقه بندی زیر مناسب به نظر می رسد:

(الف) – مراکز نوآوری (Innovation Centres): فضای محدودی که بدو با هدف تشویق ایجاد شرکتهای کوچک با تکنولوژی بالا، از جمله شرکتهای جدید در مراحل اولیه فعالیت، به وجود آمده است.

بعنوان یک منطقه پردازش صادرات واقعی مبتنی بر علم تلقی نمود.

تمامی سه هدف فوق الذکر، در حیطه جمهوری کره نیز از اعتباری مشابه برخوردارند، به نحوی که بطور کلی تاسیس یک پارک علمی در مرحله فعلی توسعه کشور اقدام مناسبی بنظر می رسد، لکن دو نکته مهم را در این ارتباط باید ذکر نمود:

اول اینکه به منظور تبدیل منطقه پردازش صادراتی که قبلاً وجود داشته به یک پارک صنعتی، تحقیق در مورد علاقه شرکتهای موجود در منطقه به روش جدید اهمیتی حیاتی دارد. در صورتیکه این شرکتهای در مورد مشارکت در تلاشهای کلی جهت ارتقاء منطقه (شامل استخدام کارکنان با صلاحیت تر، معرفی تکنولوژیهای جدید و انجام تحقیق و توسعه) مردد باشند، در آنصورت کل طرح احتمالاً با شکست روبرو خواهد شد. نمیتوان شروع سرمایه گذاری با تکنولوژی بالا را همراه با خروج گسترده صنایع خارجی موجود تصور کرد، لکن اگر شرکتهای دارای تکنولوژیهای پیچیده تر (صنایع الکترونیک و ماشین آلات دقیقه) با

تلاشهای تجدید ساختار همکاری نمایند، در آنصورت مناطق پردازش صادرات فعلی میتوانند بصورت هسته های مرکزی پارکهای علمی بزرگی که قرار است در میان مدت تاسیس گردند، درآیند.

دوم اینکه هرگونه تلاش در جهت مذکور در فوق باید با برنامه ریزی استراتژیک کلی کشور در تحقیق و توسعه و صنایع دارای تکنولوژی بالا هماهنگ باشد. بطور اخص، باید در مورد اینکه آیا پارکهای علمی میتوانند مکمل و مرتبط با تلاشهای جاری در جهت تاسیس شهرک علمی «دیدوک» در نزدیکی دیجون باشند و نیز در چگونگی آن، بررسی به عمل آید. قرار است شهرک علمی «دیدوک» که در مرکز سیستم حمل و نقل کشور قرار دارد، به صورت نقطه تمرکز حمایتهای تحقیقاتی برای صنایع دارای تکنولوژی بالا درآید. طرح جامع اولیه شهرک علمی دیدوک مدتها پیش (در سال ۱۹۷۳) تهیه گردید. این طرح بعداً در سالهای ۱۹۷۸، ۱۹۸۱ و ۱۹۸۴ مورد تجدید نظر قرار گرفت. طبق طرح فعلی، سال مورد نظر برای تکمیل طرح، سال ۱۹۹۱ است.

(ب) — پارکهای علمی (Science Parks): مناطقی بزرگتر از نظر زمین که برای بنگاههای مبتنی بر دانش در اندازه ها و مراحل مختلف توسعه مناسب است. تولیدات مبتنی بر تحقیق در این نواحی اجازه داده شده و تشویق می شود.

(ج) — پارکهای تحقیقاتی (Research Parks): مشابه پارکهای علمی است، لکن به تولید تنها تا سطح نمونه اولیه مجوز داده می شود.

(2): Hsinchu

(3): Knowledge Intensive

(4): Entrepreneurship

جدول (۲۰): موسسات تحقیقاتی واقع در شهرک صنعتی دیدوک در ژوئن ۱۹۸۷

تعداد کارکنان	شرح وظایف	تاریخ جایجانی بناخت	موسسات تحقیقاتی
			(الف) موسسات تحقیقاتی با بودجه دولتی
۳۹۲	تنظیم سیستم اسانداردهای ملی	۱۹۷۸	موسسه تحقیقاتی اسانداردهای کره
۲۲۲	آزمایش و تحقیق در مورد تکنولوژی مربوط به صنایع نسجی	۱۹۷۸	موسسه تحقیقاتی تکنولوژی شیمی کره
۱۴۳۸	تحقیق و توسعه عمومی در مورد انرژی اتمی	۱۹۷۸	موسسه تحقیقات عالی انرژی کره
۲۰۸	تحقیق در مورد ماشین آلات، فلزات و کشتی-سازی	۱۹۷۸	مرکز تحقیقاتی کشتی سازی دیدوک (۱)
۳۵۷	اکتشافات زمین شناسی و تحقیق در مورد استفاده از منابع زمین و دریا	۱۹۷۹	موسسه انرژی و منابع کره
۱۲۷۸	آزمایش و تحقیق و توسعه در مورد الکترونیک و ارتباط اراده دور	۱۹۸۳	موسسه تحقیقاتی الکترونیک و ارتباط اراده دور کره
۳۴۱	آزمایش و تحقیق و توسعه در مورد کاشی و مشتقات چینی سیمک و سیماکو	۱۹۸۳	موسسه تحقیقاتی درخت چینی سیمک و سیماکو
۶۰	تحقیق در مورد مشاهدات نجومی و علوم فضایی	۱۹۸۵	موسسه علوم فضایی و نجوم
۵۱	نهایت تواناییهای تحقیقاتی، ارجله همکاری بین المللی	۱۹۸۳	سپاد علوم و مهندسی کره
			(ب) موسسات تحقیقاتی صنایع خصوصی
۱۳۵	تحقیق در مورد فرآیندهای تولید سیمان و توسعه سیمان جدید	۱۹۷۹	موسسه تحقیقاتی مرکزی ساینک یونگ
۲۲۲	تحقیق در مورد مهندسی نسج، پلمرهای سخت و تجهیزات پزشکی	۱۹۷۹	موسسه تحقیقاتی مرکزی لاک
۹۸	تحقیق در مورد صنایع وابسته به نفت	۱۹۷۹	موسسه تحقیقاتی مرکزی شیمیایی هان یانگ

مأخذ:

Jung - Man Suh, *Scienced - based industrial Park. Korean experience: achievements and future prospects*, resource paper for the Symposium on Export Processing Zones, Colombo, 26-28 Aug. 1987.

(۱): وابسته به مؤسسه ماشین آلات و فلزات کره.

ثمرات تاسیس مناطق صنعتی و پارکهای علمی تنها پس از یک دوره ده الی پانزده ساله و صرف هزینه های گسترده حاصل می گردد.

انتظار می‌رود در آن زمان شهرک علمی دیدوک میزبان ده موسسه تحقیقاتی با بودجه دولتی و بیست و سه موسسه تحقیقات صنعتی خصوصی باشد. جدول (۲۰) خلاصه‌ای از موسساتی را که قبلاً در دیدوک تاسیس گردیده‌اند، ارائه می‌نماید.

در مجموع، بنظر می‌رسد که تبدیل دو منطقه پردازش صادرات فعلی کره جنوبی به عناصری از پارکهای صنعتی مبتنی بر علوم، قدمی منطقی در توسعه این مناطق باشد. همانگونه که بررسی حاضر نشان داده است، شرایط موجود در این مناطق هرگز تفاوت فاحشی با شرایط کلی اقتصادی کشور نداشته‌اند، لکن در آینده، در صورتیکه سیاستهای صنعتی قادر نباشند این مناطق را بصورت جزء لاینفکی از تغییرات ساختاری قریب‌الوقوع در اقتصاد کشور درآورند، شرایط موجود در این مناطق به گونه‌ای فزاینده با شرایط کلی اقتصادی کشور متفاوت خواهد شد.

نتایج وپی آمدها برای دیگر کشورهای در حال توسعه

مناطق پردازش صادرات حدود ۱۵ سال است که در جمهوری کره فعالیت دارند. این مناطق به اشتغال صنعتی و صدور کالاهای ساخته شده کمک نموده‌اند، لکن در هیچ-یک از موارد فوق به سهم قابل توجهی از این ارقام در سطح ملی دست نیافته‌اند. مناطق پردازش صادرات در جمهوری کره از همان

ابتدا عنصر جدائی ناپذیری از استراتژی کلی صنعتی شدن مبتنی بر صادرات و مفهوم کلی مناطق صنعتی بوده‌اند. مفهوم اخیر، بطور اخص، ممکن است تأمین نهاده‌های مادی داخلی را تسهیل و ترغیب کرده باشد، گرچه تحقیقات بیشتری برای اثبات رابطه دقیق فیما بین مناطق پردازش صادرات و سایر مناطق صنعتی - خصوصاً آنهایی که در خارج از مناطق پردازش صادرات واقع شده‌اند - مورد نیاز خواهد بود.

همان‌گونه که نشان داده شده است، موسسات واقع در مناطق پردازش صادرات از نظر خرید نهاده‌های مادی داخلی، اتکاء به خدمات داخلی (حمل و نقل، مالیه، بیمه، بسته‌بندی و غیره) وهم چنین ترتیبات پیمانکاری دست دوم، ارتباطات قبا بل ملاحظه‌ای ایجاد نموده‌اند. در حالی که خدماتی که ماهیتی غیرتجاری دارند عنصر طبیعی ارتباط در تمامی مناطق پردازش صادرات هستند، خریدهای داخلی از یک سو و ترتیبات پیمانکاری دست دوم از سوی دیگر در مناطق پردازش صادرات جمهوری کره، در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه، به میزان فوق‌العاده زیادی رشد نموده‌اند. در مجموع، سهم مواد داخلی در تولید، یعنی ارزش حفظ شده در کشور، در سال ۱۹۸۵ در منطقه ماسان به بیش از ۵۰ درصد رسید. هم چنین نشان داده شده است که ایجاد ارتباطات پس رو از طریق تأمین

شرایط اقتصادی حاکم در کشور میزبان، میزان ارتباطات پس رو مناطق پردازش صادرات را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

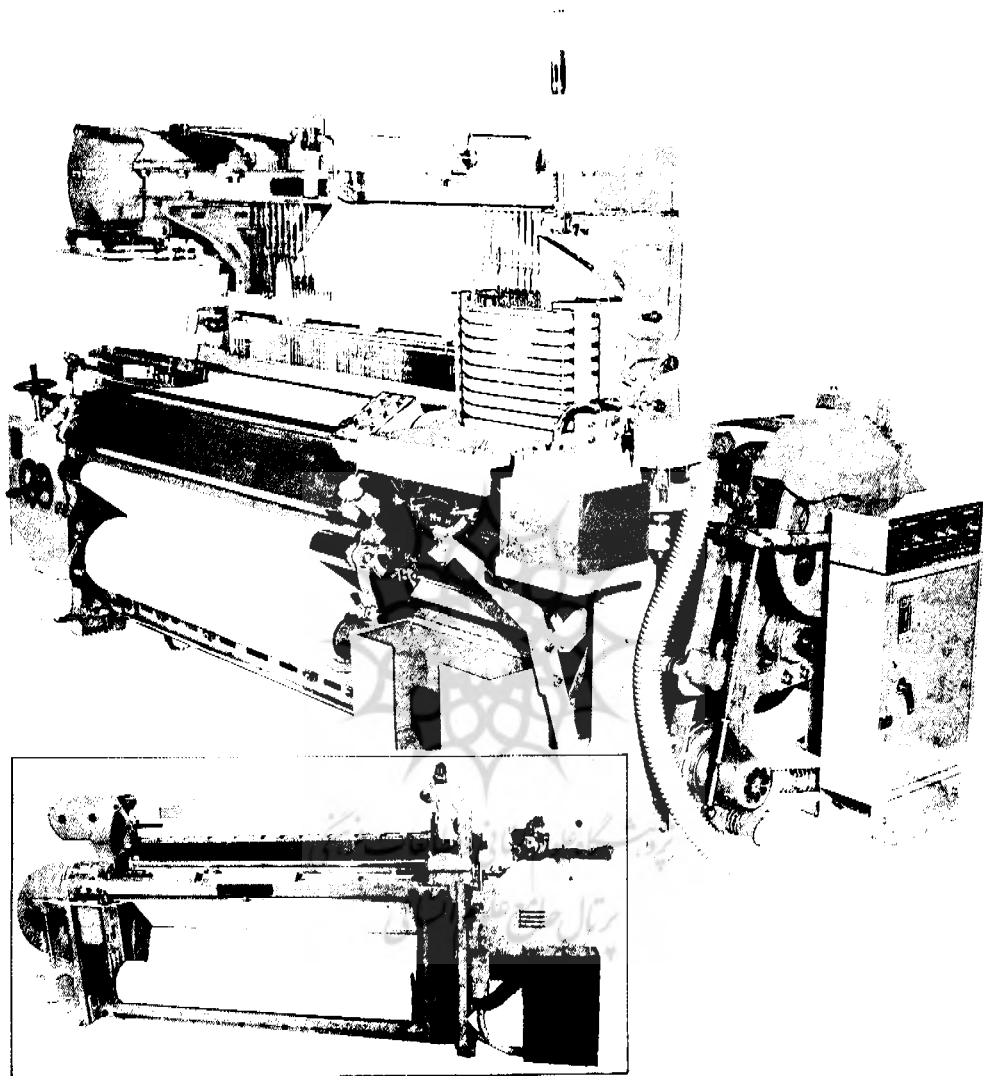
بالا تری برخوردارند. در منطقه پردازش صادرات ماسان جمهوری کره، مواد اولیه داخلی در ساخت فلزات آهنی و کفش بیشترین سهم را داشته‌اند، در حالی که در منطقه پردازش صادرات کاتونایاکا واقع در سریلانکا در تولید لاستیک و محصولات ساخته شده از الیاف نارگیل این امر صادق بوده است.

دوم، ایجاد ارتباطات تحت تأثیر عواملی در سطح بنگاه قرار دارد. این موضوع، در میان سایر عوامل، به میزان استقلال اعطاء شده به شرکت‌های فرعی شرکت‌های فراملیتی در زمینه تصمیم‌گیری در مورد تامین نهاده‌هایشان ارتباط دارد. در این رابطه، ارتباط بالقوه مسئله‌ای مرتبط با فلسفه شرکت است و از این رو به گونه‌ای غیرمستقیم با کشور مبدأ بنگاه سرمایه‌گذار نیز ارتباط دارد.

سومین و مهمترین نکته آنکه شرایط اقتصادی حاکم در کشور میزبان بر محدوده ارتباطات پس رو منتشره از مناطق پردازش صادرات تأثیر می‌گذارد. اگر چه هم مقررات آزادخواهانه حاکم بر مناطق پردازش صادرات (واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای معاف از حقوق گمرکی) و هم انگیزه‌های شرکت‌های سرمایه‌گذار در

نهاده‌ها از داخل کشور اساساً ناشی از سیاست‌های خاصی در این زمینه نبوده، بلکه با انگیزه‌های بازار، یعنی از طریق فرآیند مبتنی بر عرضه که توسط شرکت‌های واقع در مناطق پردازش صادرات و در شرایط کلی تشویق دولت آغاز گردیده بود، صورت پذیرفته است. همان گونه که در زیر احصاء گردیده، شواهد عرضه شده در مورد مناطق پردازش صادرات در بررسی حاضر با نتایج مطالعات در مورد ارتباط توسط شرکت‌های فراملیتی بطور اعم، و شرکت‌های واقع در مناطق پردازش صادرات بطور اخص، شباهت دارد.

اول، میزان ارتباط در بخش‌های صنعتی مختلف بر حسب فرآیند تولید، پیچیدگی تکنولوژی و میزان دستیابی به صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس، متغیر است. صنعت الکترونیک نمونه گویائی است که نشان می‌دهد چگونه یک فرآیند تولید بسیار قابل تفکیک همراه با صرفه‌جویی‌های بالای ناشی از مقیاس در ساخت قطعات منفصله به اتکای شدید بر ترتیبات پیمانکاری دست دوم منجر گردیده است، لکن هنگام ملاحظه خرید مواد اولیه داخلی، سایر بخش‌های صنعتی، بر حسب فراهم بودن مواد اولیه در کشورهای مختلف، نشان داده‌اند که از میل به ایجاد ارتباط



مناطق پردازش صادرات (بهره گیری از نیروی کار ارزان برای تولید کالاهای صادراتی) ظاهراً برعلیه ادغام آنها در اقتصاد کشور میزبان عمل می‌کنند، با این وجود شواهد بسیاری وجود دارد که بنگاههای واقع در مناطق پردازش صادرات مایلند تا از عرضه داخلی استفاده نمایند، مگر آنکه این عرضه از نظر هزینه یا کیفیت واجد شرایط نباشد. به علاوه، همانگونه که در مصاحبه های انجام شده در این بررسی مورد تایید واقع گردیده، «شرکتهای چند ملیتی مایلند که هزینه های اولیه تشویق و حمایت از عرضه کنندگان داخلی را، که در بلند مدت از نظر هزینه رقابت پذیر باشند، تقبل نمایند». از این رو جای تعجب نیست که یک مطالعه تطبیقی در مورد مناطق پردازش صادرات کشورهای آسیائی، در مورد سنگاپور این نتیجه حاصل آمد که سهم نهاده های تامین شده از اقتصاد داخلی همبستگی شدیدی با درآمد سرانه دارد، نتیجه بدیهی آن که «ایجاد ارتباطات اساساً به سطح توسعه کشور میزبان بستگی دارد». لازم به گفتن نیست که زمان خود یک عامل ذیربط است، بدین معنی که شناسائی عرضه کنندگان رقابت پذیر و ایجاد ارتباط تجاری نیازمند یک دوره زمانی مشخص است. اما در مورد جمهوری کره، این دوره زمانی نسبتاً کوتاه بوده است. شاید تاکید بر ارتباط بین سطح توسعه

صنعتی و میزان ایجاد ارتباط به نظر پیش پا افتاده بیاید. با این وجود، در بسیاری از موارد، سرخوردگی سیاستگزاران در مورد ماهیت جزیره ای مناطق پردازش صادرات کشورشان، در صورتیکه فراهم بودن نهاده های داخلی به درستی مورد ارزیابی قرار گرفته بود، قابل اجتناب بود.

در واقع، در غیاب عرضه کنندگان کارآمد داخلی، اقدامات خاصی که با هدف افزایش میزان ارتباط صورت می‌گیرد، باید تاثیر اندکی داشته باشد. بعنوان مثال، مرتبط ساختن مشوقهای مالیاتی با میزان خرید بعمل آمده از بنگاههای داخلی، به خودی خود باعث توسعه صنعتی داخلی نخواهد شد؛ توسعه ای که باید با ارتباط هرچه بیشتر با منطقه تجارت آزاد به وقوع پیوندد. همزمان، تحمیل شرایط ارتباط اجباری به احتمال زیاد سازنده نخواهد بود، همانگونه که مقررات راجع به درصد محتوای داخلی عموماً میتواند در صورت عدم کاربرد صحیح، غیرکارآ بوده و باعث اتلاف قابل ملاحظه منابع (از طریق هزینه واحد بالا و کیفیت نازل محصول نهائی) گردد و بنابراین به تلاشهای توسعه لطمه وارد آورد.

این امر ما را به مقوله تاسیس مناطق پردازش صادرات در یک چهارچوب کلی سیاستگزاری مناسب بازمی‌گرداند. در مورد جمهوری کره، تعدادی از اصلاحات سیاسی

« این عبارت به شرکتهای الکترونیکی واقع در سنگاپور اشاره دارد.

استراتژی صنعتی جمهوری کره، همراه با شرایط مناسب اقتصاد
بین المللی باعث عملکرد موفق مناطق پردازش صادرات جمهوری
کره شده اند.

بین المللی سریعاً در حال گسترش، به وجود آمد. از این رو، چنین بنظر می رسد که این توفیق استراتژی صنعتی جمهوری کره، همراه با شرایط مناسب اقتصاد بین المللی بود که باعث عملکرد موفقیت آمیز مناطق پردازش صادرات کشور گردید، نه حالت عکس آن.

از این رو کشورهای در حال توسعه ای که در فکر تاسیس مناطق پردازش صادرات هستند بایک معمای اساسی رو برو می باشند. هرچه زیرساختهای صنعتی کشور فقیرتر باشد، انگیزه بیشتری برای جایگزینی واردات وجود دارد و برای دستیابی به رشد قابل ملاحظه صادرات صنعتی وجود یک منطقه پردازش صادرات میتواند ضروری تر باشد. از سوی دیگر، هرچه یک منطقه ماهیت جزیره ای بیشتری داشته باشد - یعنی با زیرساختها و مشوقهای موجود در خارج از منطقه متفاوت تر باشد - احتمال کمتری وجود دارد که منطقه در دستیابی به منافع اقتصادی گسترده تر توفیق یابد. به عبارت دیگر، مناطق پردازش صادرات ثابت کرده اند که ابزار اضافی مفیدی برای تقویت تلاشهای کلی کشور در زمینه صادرات هستند، ولی ابزاری برای جهش از گرایش به بازار داخلی به سمت تولید برای بازار نقش آتی مناطق پردازش صادرات در جمهوری کره ۶۵

مهم در واقع پیش از تاسیس و یا در سالهای اولیه ایجاد منطقه پردازش صادرات ماسان اعمال گردیدند. این اصلاحات شامل تغییراتی در سیستم کنترل واردات، اصلاح تعرفه ها و همچنین تعدیل در نرخ بهره و نرخ برابری ارز بودند. منظور آن نیست که گفته شود سیاستهای خاصی که توسط جمهوری کره دنبال شدند میتوانند برای هر کشور در حال توسعه ای مناسب باشند، لکن آنچه مهم است اینست که دیگر کشورهای در حال توسعه در تلاشهای خود به منظور رقابت با توفیق مناطق پردازش صادرات در جمهوری کره باید چهارچوب کلی را که در آن مناطق پردازش صادرات فعالیت نمودند مدنظر قرار دهند: اغلب اوقات این تلقی وجود داشته است که مناطق پردازش صادرات در خلأ فعالیت می کنند.

در مورد مناطق پردازش صادرات جمهوری کره، تعدادی از عوامل در توفیق این مناطق نقش داشتند. منطقه پردازش صادرات ماسان در آغاز یک سیستم نرخ ارز واقع بینانه، یک نظام وارداتی تا حدودی آزاد شده (با تغییر از سیستم فهرست مثبت به سیستم فهرست منفی در سال ۱۹۷۶)، یک نرخ تورم پائین و هم چنین تجارت

جهانی نیستند. این امر حاکی از آنست که بطور کلی در مورد تاثیر توسعه ای مناطق پردازش صادرات اغراق گردیده است. آن جا که این مناطق موفق بوده اند، تنها بخش کوچکی از سرمایه گذاریهای جذب شده را میتوان سرمایه گذاریهای اضافی دانست، در حالی که این مناطق غالباً به اهداف خود در هنگام تاسیس جهت جلب سرمایه گذاری خارجی دست نیافته اند.

از این رو، به کشورهای در حال توسعه توصیه می شود که در هنگام تاسیس مناطق پردازش صادرات جدید بسیار محتاطانه عمل کنند. در وهله اول، همان گونه که در فوق به اختصار آمد، هر منطقه پردازش صادرات نیازمند آن است که در استراتژی کلی صنعتی کشور ادغام گردد. دوم، موج مناطق پردازش صادرات تازه تاسیس در اوایل ۱۹۷۰ به ایجاد شرایط مازاد عرضه در چیزی منتهی شد که میتوان آن را بازار جهانی مکانهای سرمایه گذاری در مناطقی از نوع مناطق پردازش صادرات دانست. این وضعیت، حالتی از رقابت بسیار شدید بین مناطق پردازش صادرات موجود برای جلب سرمایه گذاریهای خارجی به وضوح در حال کاهش می باشد. جدای از عوامل داخلی، این امر بازگوکننده آنست که چرا نسل دوم مناطق پردازش صادرات، از قبیل مناطق پردازش صادرات بنگلادش و پاکستان به اهداف مورد انتظار خود دست نیافته اند.

سوم، منافعی که با این وجود از تاسیس

مناطق پردازش صادرات حاصل می گردند بدون هزینه نیستند، زیرا دولت باید هزینه فرصت تاسیس و نگاهداری منطقه را، در مقایسه با دیگر کاربردهائی که منابع مزبور میتوانند در اقتصاد داشته باشند، لحاظ نماید. این امر مقوله های دشواری چون برآورد درآمدهای از کف رفته دولت را، از طریق مشوقهای مالیاتی گوناگون، دربر می گیرد. حتی بعد از این محاسبات نیز دو پرسش دیگر باقی می ماند: آیا مشوقهای عمومی برای جلب سرمایه گذاری خارجی به ورود مساوی (یا بیشتر) سرمایه منجر خواهد شد؟ آیا سیاستهای اقتصادی گوناگون (از قبیل کاهش ارزش پول داخلی) صادراتی بیش از آنچه که احتمالاً یک منطقه پردازش صادرات به وجود می آورد، ایجاد خواهد نمود؟

بطور کلی، به کشورهای در حال توسعه ای که مصمم به ورود در عرضه رقابت مناطق پردازش صادرات می باشند توصیه می شود که خصوصاً اگر میزان توسعه صنعتی آنها نسبتاً پائین است، اهداف مربوطه را در حدی اعتدال گونه و محدود تعیین نمایند. در این قبیل موارد، ایجاد فرصتهای اشتغال جدید و میزان معینی از درآمدهای ارزی بطور بالقوه اهدافی واقع گرایانه هستند، در حالیکه دیگر ابعاد تاثیر مناطق، از قبیل اثرات ارتباطی یا انتقال تکنولوژی را میتوان بعنوان «اثرات بیرونی مطلوب» تلقی نمود. یکبار دیگر، به عوض تحمیل انتظارات بالا و اهداف

به کشورهای در حال توسعه توصیه می‌شود که در هنگام تاسیس مناطق
پردازش صادرات بسیار محتاطانه عمل کنند.

سرمایه‌گذاری خارجی برای تولید کالاهایی که انحصاراً برای بازارهای صادراتی ساخته می‌شوند، فاصله گرفته‌اند. در بسیاری از موارد، مقررات انعطاف پذیرتری بکار گرفته شده‌اند و انتظار می‌رود این جریان در آینده نیز ادامه یابد. عناصر ویژه این فرآیند که ذیلاً آمده‌اند، شایان توجهند:

(الف): اعطای مجوز به شرکتهای واقع در مناطق پردازش صادرات جهت فروش بخشی از محصول در بازار داخلی. گرچه این امر بطور همزمان در مورد بسیاری از مناطق پردازش صادرات صحت دارد (از جمله مناطق واقع در جمهوری کره)، لکن صنایع واقع در مناطق حفاظت شده مکزیک^۲، بطور اخص نمونه جالبی در این رابطه هستند. در قالب یک سیستم مشروط، اگر شرایط خاصی در مورد درصد محتوای داخلی رعایت گردیده باشد، تا بیست درصد محصول را میتوان در بازار داخلی بفروش رساند (در صورتیکه درآمد خالص ارزی پس از کسر هزینه‌های ارزی فروش داخلی مثبت

دست نیافتنی بر مناطق، باید آنها را صرفاً بعنوان یک ابزار سیاستی در قالب استراتژی کلی مد نظر قرار داد.

برای کشورهایی که از قبل دارای مناطق پردازش صادرات هستند، وظیفه اصلی آن است که بطور مداوم عملکرد آنها را تحت نظر داشته و اهداف و وظایف آنها را با هدف واکنش نسبت به چالشی که ناشی از تغییرات ساختاری در اقتصاد داخلی و روندهای جدید در شرایط اقتصادی بین-المللی است (شامل تغییر در تقاضای سرمایه‌گذاران خارجی در قبال مکانهای بالقوه سرمایه‌گذاری)، مورد بررسی مجدد قرار دهند. بعنوان مثال، تلاش در جهت جلب خطوط تولیدی دارای تکنولوژیهای پیچیده‌تر ممکن است نیازمند ارتقاء کیفی قبلی زیرساختهای منطقه پردازش صادرات و هم-چنین فراهم بودن خدمات صنعتی بسیار تخصصی باشد^۱. در گذشته، تعدادی از مناطق پردازش صادرات از مفهوم خشک اولیه خود که تنها جهت میزبانی

(۱): سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO) در مطالعه اخیر خود در مورد سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت ماشین ابزار، بعنوان نمونه، بدین نتیجه رسیده است که وجود متخصصان نرم افزار کامپیوتر، در مقایسه با مشوقهای ساختارمندانه مالی، پیش شرط بسیار مهمتری است.

(2). Maquiladora Industries

باقی بماند و کمکهای فنی به عرضه کنندگان داخلی ارائه گردد).

(ب): این امکان که شرکتهای خصوصی در خارج از منطقه باشند، در حالی که از مزایای مدیریت و مقررات مناطق پردازش صادرات سود ببرند. بعنوان مثال، این امر در مورد سریلانکا در ارتباط با برخی از شرکتهای پردازش کننده مواد اولیه داخلی (کائوچو) که نزدیکی آنها به منابع عرضه بدلائل اقتصادی یا فنی امری اساسی تلقی می گردیده است، صادق بوده است.

(ج): پذیرش سرمایه گذاران داخلی در مناطق پردازش صادرات، چه بصورت سرمایه گذاری مشترک یا حتی با ۱۰۰ درصد

مالکیت موسسات داخلی. امکان انتخاب اخیر در سال ۱۹۸۰ در دسترس اتباع جمهوری کره قرار گرفت.

(د): ایجاد ترتیبات پیمانکاری فرعی بین شرکتهای واقع در مناطق پردازش صادرات و شرکتهای داخلی.

گرایشهای مزبور به سمت انعطاف پذیری بیشتر در مدیریت مناطق پردازش صادرات می تواند به تقویت انعطاف پذیری آنها کمک نموده و از طریق افزایش میزان تعامل آنها با کل اقتصاد، در صورت نیاز و به هنگام ضرورت، دگرگونی تدریجی آنها را در واکنش به شرایط اقتصادی متغیر، تسهیل نماید.

به نقل از:

D. Healey and W. Lutkenhorst, «Export Processing Zones: The Case of Republic of Korea» *Industry And Development* (Vienna: UNIDO Pub., 1989) pp. 42-54